

دبیرستان دوره اول دخترانه، آمنه، شهرستان مریوان

درک پدیدارشناسانه ی زنان کلانه پز از شغل خود و چگونگی تاثیرگذاری آن بر
کیفیت زندگی خانوادگی شان

(مطالعه موردی: شهر مریوان)

پژوهشگران:

سنا ابراهیمی

اسرا ابراهیمی

استاد راهنما:

سیده چنور محمدی

اسفند ۱۳۹۷

موضوع:

درک پدیدارشناسانه ی زنان کلانه پز از شغل خود و چگونگی تاثیرگذاری آن بر
کیفیت زندگی خانوادگی شان

(مطالعه موردی: شهر مریوان)

ردیف	نام و نام خانوادگی	نوع فعالیت	کد ملی	پایه تحصیلی
۱	سنا ابراهیمی	پژوهشگر	۳۸۱۰۶۰۰۵۹	نهم
۲	اسرا ابراهیمی	پژوهشگر	۳۸۱۰۶۵۰۶۷۶	هشتم
۳	سیده چنور محمدی	استاد راهنما		

چکیده

در تحقیق حاضر به درک پدیدارشناسانه زنان کلانه پز از کنش های اجتماعی بر اساس تجربه زیسته این زنان از کار و چگونگی تاثیرگذاری آن بر زندگی خانوادگی شان پرداخته شده است. این پژوهش از نوع تحقیقات کیفی بوده و به روش پدیدارشناسی انجام گرفته است. زمان اجرای پژوهش، از اواخر آبان ماه سال ۱۳۹۷ تا اواخر بهمن ماه همان سال بوده و نمونه ها از میان زنان کلانه پز شهر مریوان که شامل ۱۳۷ زن کلانه پز بود، با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند، انتخاب شدند. پس از اشباع اطلاعاتی، تعداد شرکت کنندگان به ۲۲ نفر رسید. جمع آوری اطلاعات با استفاده از مصاحبه ی عمیق و تجزیه و تحلیل داده ها به روش کدگذاری باز و کدگذاری گزینشی انجام شد. این پژوهش از نوع تحقیق کیفی بوده و از روش پدیدار شناسی بهره جسته است.

پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی بدین سوال بود که: زنان کلانه پز چه درک و برداشتی از شغلشان دارند و تاثیر این شغل بر زندگی خانوادگی آنها چگونه بوده است؟ یافته های حاصل از تجارب زیسته ی زنان کلانه پز، در قالب ۶ مضمون اصلی و ۳۶ زیرمضمون استخراج شدند. مضامین اصلی استخراج شده عبارت از: دلبستگی به محیط شغلی، عزت نفس، درک همدلانه در خانواده، نظم پذیری، خود کنترلی، الگوپذیری و تجربه آموزی بوده اند. در این تحقیق مشخص شد که درک و تجربه زنان کلانه پز از کار در این مکان، همان درکی نیست که دیگران (از جمله عموم مردم) از این تجربه دارند. زنان کلانه پز کنش های مثبت کار در محیط خود و زندگیشان را شامل مهارت های زندگی، سازگاری، مسئولیت پذیری، کنترل رفتار و احساسات، تاب آوری و درک متقابل می دانستند. آنها جوامع یادگیری ای تشکیل داده بودند که خانواده هایشان بسیاری از مفاهیم بنیادین زندگی را از آن طریق می آموختند.

کلید واژگان: کنش، کنش اجتماعی، زنان کلانه پز، پدیدار شناسی.

فهرست مطالب

۲.....	موضوع.....
۵.....	مقدمه.....
۶.....	بیان مسئله.....
۷.....	ادبیات و پیشینه پژوهش.....
۱۰.....	اهداف پژوهش.....
۱۰.....	روش پژوهش.....
۱۱.....	جامعه آماری.....
۱۱.....	نمونه گیری.....
۱۲.....	سوالات پژوهش.....
۱۲.....	مبانی نظری.....
۱۳.....	دلبستگی شغلی.....
۱۴.....	عزت نفس.....
۱۴.....	درک همدلانه.....
۱۵.....	نظم پذیری.....
۱۵.....	خودکنترلی.....
۱۶.....	الگوپذیری و تجربه آموزی.....
۱۶.....	نتیجه گیری.....
۱۹.....	پیشنهادهای.....
۲۰.....	محدودیت های پژوهش.....
۲۱.....	منابع.....
۲۴.....	ضمائم.....

درک پدیدارشناسانه ی زنان کلانه پز از شغل خود و چگونگی تاثیرگذاری آن بر کیفیت زندگی خانوادگی شان

(مطالعه موردی: شهر مریوان)

ابراهیمی سنا

اسرا ابراهیمی

چنور محمدی

مقدمه

در دنیای امروز، زنان؛ علاوه بر اینکه یکی از پایه های اصلی جامعه و خانواده محسوب می شوند، در چرخه ی اقتصادی نیز نقش عمده ای ایفا می کنند و امروزه از جمله عناصر اصلی کارآفرینی در جوامع حاضر هستند. لذا عدم توجه به زنان و رسالت های آنها، تبعات زیانباری می تواند برای خانواده، جامعه و حتی اقتصاد داشته باشد. نگاه گذشته به مسئولیت زنان، بیشتر فرزندآوری و فرزند پروری بوده است اما با رشد جوامع انسانی و به ویژه بعد از ظهور جوامع صنعتی، هرروزه نیازها و خواسته های بشری افزوده تر و مطالبات متنوع تر گردیده است. در دوره قبل از انقلاب صنعتی، زنان، بیشتر کارشان محدود به خانه و درونی بوده است؛ این در حالی بود که مردان بار چرخه اقتصادی خانواده را به دوش می کشیدند و بیشتر اوقاتشان در محیط خارج از خانه سپری می شد. اما با پیچیده تر شدن زندگی در جوامع مدرن، بار زندگی، دیگر با یک نفر به دوش کشیده نمی شد؛ این بود که زنان به طرز گسترده ای وارد حوزه کارهای خارج از خانه شدند و پا به پای مردان در عرصه های مختلف اقتصادی به ایفای نقش پرداختند. با ورود زنان به عرصه های اقتصادی، مفهوم نقش های زنانه و مردانه نیز تغییر یافت؛ در همین راستا درک و مفهوم زنان نیز از کار اقتصادی، نسبت به مردان متفاوت بود، چراکه پس از سالیان درازی زندگی در درون خانه؛ معنا و مفهومی دیگر برایشان شکل گرفته بود.

زنان، به ویژه زنان کارآفرین؛ با تمام روابط عاطفی و معنوی ای که جامعه برای آنها تعریف کرده است در حساس ترین برهه ی زمانی، یعنی بعد از انقلاب صنعتی که همراه با تنش های متعددی در عرصه ی جهانی بود و در پی آن دو جنگ جهانی نیز اتفاق افتاد؛ از خانه و محیط درونی خود جدا می شوند تا به چرخه ی

اقتصادی پیوندند. این سیر گذار همراه با تغییراتی در نقش و انتظارات نقش زنان بوده است. در ایران نیز، زنان از بعد انقلاب اسلامی، به طرز گسترده ای وارد محیط های شغلی و اقتصادی شدند. آمارها نشان می دهد که در مقایسه ای که بین ۲۲ کشور خاورمیانه از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۸ صورت گرفته است، رشد اشتغال زنان در ایران با مقدار ۱/۸ برابر، در رتبه ی اول قرار دارد (قدرتی به نقل از گیلسپای، ۱۳۹۴: ۳۱). این مسئله نشان می دهد که حضور چشم گیر زنان در عرصه های اقتصادی و شغلی روز به روز پررنگ تر می شود؛ لذا می بایست با دید عمیق تری به زنان در این عرصه ها نگرسته شود.

باری، زنان کرد نیز همچون دیگر زنان قومیت های مختلف ساکن در ایران، از این قاعده-افزایش تعداد زنان شاغل-مستثنی نبوده اند و ما هرروز شاهد حضور چشمگیر زنان در عرصه های مختلف اقتصادی هستیم، تحقیق حاضر تلاش دارد به بررسی درک زنان شاغل در سطح شهرستان مریوان بپردازد.

بیان مسئله

در دهه های اخیر، شاهد افزایش روز افزون و چشمگیر؛ حضور هرچه بیشتر زنان در عرصه های تولیدی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بوده ایم. اگرچه تاکنون تحقیقات زیادی بر روی اشتغال زنان انجام شده است، اما تا کنون تحقیقات چندانی؛ که به بررسی و درک خود کنشگران زن به عنوان شاغلین و تولیدکنندگان یا کارآفرینان اقتصادی بپردازند، انجام نشده است. استان کردستان نیز به عنوان یکی از استان های کشور، اگرچه با میزان رشد زنان شاغل همراه بوده است، اما در پرداختن به موضوع اشتغال زنان و درک و تجربه زیسته آنها از کار ضعیف و فقیر از لحاظ پژوهشی می باشد. از آنجایی که پرداختن به اقتصادهای بومی و محلی از جمله مباحث امروز در علم اقتصاد است، پرداختن به مباحث این چنینی؛ در غنای تحقیقات کمک شایانی به دیگر محققان می کند، لذا بررسی مباحثی در حوزه اقتصادهای بومی بسیار ضروری می نماید.

در این راستا پرداختن به مسئله اشتغال زنان شهرستان مریوان، که خود یکی از زیرشاخه های اقتصاد بومی و محلی محسوب می شود نیز؛ می تواند در بسیاری از تحقیقات آتی در حوزه اشتغال زنان کرد موثر باشد. شهرستان مریوان، از جمله شهرستان های استان کردستان است که در سال های اخیر، هر روزه شاهد افزایش تعداد زنان شاغل و کارآفرین؛ در حوزه های مختلف از جمله پخت و تولید نان های محلی می باشد. جمعیت این شهرستان طبق آمار رسمی سرشماری سال ۱۳۹۵، برابر با ۱۹۵۲۶۳ نفر بوده است؛ که از این جمعیت ۱۵۱۱۸۸ نفر ساکن نقاط شهری و ۴۴۰۷۴ نفر در مناطق روستایی ساکن هستند (سازمان آمار ایران، ۱۳۹۵).

زنان شهرستان مریوان، همچون دیگر زنان استان کردستان در حوزه ورود به بازارهای اقتصادی پیش قدم شده اند و هرکس می تواند با مشاهدات میدانی؛ این امر را به صورت عینی، مشاهده کرده و مورد بررسی قرار

دهد. این زنان در حوزه‌های مختلف، از جمله پخت و پز انواع نان‌های محلی، خیاطی، فرش‌بافی، گیوه‌بافی و غیره فعالیت می‌کنند و کارآفرینان مقتدری نیز، در هر کدام از این حوزه‌ها هستند. کار و شغل زنان شهرستان مریوان علی‌الخصوص در حیطه‌ی کارآفرینی، بسیار گره خورده به فرهنگ و آداب و رسوم این منطقه است؛ لذا پرداختن به هر کدام از شاخه‌های اشتغال زنان در این منطقه ضروری و حیاتی می‌نماید.

مهم‌ترین پدیده‌ی اشتغال زنان را می‌توان کنش‌های اجتماعی آنان دانست. کنش، نوعی رفتار از پیش اندیشیده شده است، اشتغال زنان نوعی کنش اجتماعی محسوب می‌شود و از بعد روان‌شناختی و جامعه‌شناختی تمایزاتی جدی با کنش اجتماعی مردان در جامعه دارد، با توجه به جامعه‌ی در حال گذار کردستان و مریوان و نوپا بودن اشتغال زنان و استقلال زنان مطالعه‌ی مهم و از مباحث ضروری و حائز اهمیت است. هرکنش از مجموعه‌ای از واحدهای کنشی ساخته می‌شود و شامل حالات و گفتارهاست که مجموعه‌ی بازسازی شده‌ی آن یک نقش اجتماعی یا برهه‌ای کم و بیش طولانی از کنش متقابل اجتماعی را پدید می‌آورد. کنش‌های اجتماعی در جامعه‌ی زنان متفاوت از کنش‌های اجتماعی جنس دیگر است. این تفاوت ناشی از ویژگی‌های فیزیولوژیکی، شخصیتی، روانشناختی و اجتماعی است.

باری، مسئله‌ی ما در این تحقیق بررسی درک زنان کلانه‌پز در سطح شهر مریوان، از کنش‌های شان در محل کار و تاثیر آن بر کیفیت زندگی شان است. از آنجایی که تاکنون پژوهشی بر روی زنان کرد به طور عام، و زنان کلانه‌پز به طور خاص؛ صورت نگرفته است، در تحقیق حاضر کوشش شده است به شیوه‌ای کیفی درک زنان کلانه‌پز از کنش‌های اجتماعی در موقعیت شغلی و تاثیر آن بر کیفیت زندگی شان، در سطح شهر مریوان مورد بررسی و مطالعه قرارگیرد.

ادبیات و پیشینه پژوهش

نظریه‌ی غالب در این پژوهش نظریه پدیدارشناسی است. این نظریه بر آگاهی و تجربه زیسته در زندگی روزمره مردم تاکید دارد (اسلامی تنها، ۱۳۹۳: ۳۳). تحقیق پدیدارشناسی در بر دارنده‌ی مجموعه‌ای از روش‌های تفسیری است که به دنبال، توصیف، رمزگشایی و تجربه است (مرادی پردنجانی و صادقی، ۱۳۹۳: ۶۴). به طور کلی بر این نکته تاکید دارد، که هرکس جهان را به گونه‌ای تفسیر می‌کند و این حاصل ارتباط آن شخص با جهان و محیط اطرافش یا تجربه زیسته‌ی وی می‌باشد. در تحقیقاتی که بر مبنای پدیدارشناسی انجام می‌گیرد باید به کنشگران یک موضوع یا مسئله مراجعه کرد و درک و فهم آنها از آن موضوع یا مسئله را مورد بررسی قرار داد.

در ارتباط با این تحقیق می‌توان از نظریه کنش اجتماعی نیز استفاده کرد. بر اساس این نظریه ما پیوسته کنشگر اجتماعی هستیم. با دیگران ارتباط برقرار می‌کنیم، بر آنها تاثیر می‌گذاریم و غیره. در واقع هر عمل ما

حاوی یک عنصر اجتماعی است که در ارتباط با دیگران معنی می‌یابد. کنشگران اجتماعی برای رفتارهای خود معنایی قایل‌اند و آن معنا در رفتار آنها تأثیر می‌گذارد (رستگارخالد و دیگران، به نقل از عضدانلو، ۱۳۹۱: ۱۸). "کنش" عبارت از تمام رفتارهای انسانی است که در آن فرد کنشگر معنایی ذهنی به رفتارش نسبت می‌دهد. کنش در این معنا ممکن است قابل مشاهده یا صرفاً درونی یا ذهنی باشد.

از دیگر نظریه‌های مرتبط با این تحقیق می‌توان از نظریه کنش متقابل نمادین نام برد. این نظریه به ظهور معنا در تعاملات و ارتباطات انسان اشاره دارد، که مطابق آن معانی تعاریفی هستند که افراد به اشیا و رویدادها نسبت می‌دهند. به طور کلی مفاهیم مهم و اساسی این نظریه عبارتند از: اهمیت معنا، تعبیر و تفاسیر مختلف مردم و فعالان؛ اعتبار بخشیدن به معنا و اهمیت دادن به ارزش‌های هنجاری و الگوها (محمدی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۰۲).

تا کنون هیچ پژوهشی، درباره‌ی محیط‌های شغلی زنان کارآفرین در استان کردستان به طور عام و زنان کلانه‌پز به طور خاص؛ همچنین ارتباط و تأثیر زندگی شغلی این زنان، بر روی زندگی خانوادگی آنها؛ در شهر مریوان انجام نگرفته است. با این حال در این بخش از پژوهش، به تحقیقات اندکی که بر روی زنان شاغل در استان کردستان می‌پردازند، همچنین تحقیقاتی که به زنان کارآفرین پرداخته‌اند؛ می‌پردازیم تا پیش زمینه ورود به بحث اصلی مان گردد.

رستمعلی‌زاده و علی‌جمعه‌زاده (۱۳۹۶)، در مقاله‌ای به «بررسی عوامل موثر بر موفقیت زنان کارآفرین شهر تهران» پرداخته‌اند. هدف اصلی این تحقیق بررسی عوامل تأثیرگذار در موفقیت کسب و کار زنان کارآفرین در شهر تهران می‌باشد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که ویژگی‌ها و شرایط اقتصادی و اجتماعی شامل سن، وضعیت تأهل، سطح تحصیلات، سابقه‌ی کار و میزان درآمد نقش مهمی در میزان کارآفرینی زنان تهرانی دارند. یعنی با افزایش سن، میزان کارآفرینی زنان اندکی کاهش می‌یابد. افراد مجرد و افراد دارای تحصیلات لیسانس، روحیه‌ی کارآفرینی بالاتری دارند؛ همچنین با افزایش سابقه‌ی کار به روحیه‌ی کارآفرینی زنان افزوده می‌شود. در نهایت تلاش برای ارتقای درآمد، روحیه‌ی کارآفرینی را در زنان ارتقاء می‌دهد.

موحدی و بروجنی (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای به «بررسی شیوه‌های آموزشی مؤثر در توسعه‌ی کارآفرینی زنان روستایی» پرداخته‌اند. هدف مطالعه‌ی حاضر بررسی نقش آموزش در توسعه‌ی کارآفرینی زنان روستایی است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد، میزان آگاهی زنان مورد مطالعه پیرامون کارآفرینی در حد متوسط می‌باشد و بیشتر آنها نگرش مثبتی نسبت به نقش آموزش در بهبود کار آفرینی داشتند.

آراستی و طرزمی (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای به «چگونگی تغییر نقش شبکه‌های اجتماعی زنان کارآفرین از مرحله‌ی نوپایی به تثبیت: مورد مطالعه بخش صادرات» می‌پردازند. در این مقاله به این نکته اشاره می‌گردد که، شواهد

موجود بیانگر تفاوت شبکه‌سازی زنان و مردان کارآفرین و تا حدی ضعف آن‌ها در ایجاد و حفظ شبکه‌های کارآفرینی است. نتایج تحلیل نشان می‌دهد مهم‌ترین نقش شبکه‌ی اجتماعی، ایجاد دسترسی به فرصت‌ها، اطلاعات و منابع است که در گذر از مرحله‌ی نوپایی به تثبیت، پررنگ‌تر نیز می‌شود، در حالی که نقش ایجاد انگیزه و حمایت، در گذر از نوپایی به تثبیت، کم‌رنگ می‌شود.

ممیز و همکاران (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای به «بررسی عوامل مؤثر در توسعه کارآفرینی زنان» می‌پردازند. این تحقیق به بررسی عوامل مؤثر در توسعه کارآفرینی زنان می‌پردازد. در این پژوهش هم از تکنیک مصاحبه و هم پرسش‌نامه بهره گرفته‌اند تا پایایی و اعتبار پژوهش افزایش یابد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که با وجود نقش دوگانه‌ی زنان شاغل، آنان نسبت به فعالیت‌های خود احساس مثبتی دارند.

سواری و دیگران (۱۳۹۶)، در مقاله‌ای به «موانع توسعه‌ی اشتغال زنان روستایی در صنایع دستی شهرستان دیواندره» می‌پردازند. این پژوهش به منظور بررسی موانع اشتغال زنان روستایی در بخش صنایع دستی شهرستان دیواندره (استان کردستان) انجام شده است. نتایج این تحقیق نشان داد مهم‌ترین موانع گسترش صنایع دستی از دیدگاه زنان روستایی شهرستان دیواندره، عدم توجه و حمایت‌های دولتی از بخش صنایع دستی است. از مهم‌ترین راهکارهای توسعه اشتغال مرتبط با صنایع دستی راهکارهای حمایتی، آموزشی-تشویقی و ایجاد تشکلهای صنایع دستی بوده است.

طه‌زاده (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای به «جایگاه زنان در جامعه‌ی کرد زبان با تاکید بر فرهنگ کار زنان» می‌پردازد. در این مقاله ابتدا مفهوم کار، اهمیت کار و تولید و نقش نیروی انسانی توضیح داده شده است، سپس فرهنگ و فرهنگ کار بررسی شده‌اند. همچنین جایگاه زنان در اجتماع و اهمیت و منزلت زن و دلایلی که کار و فعالیت زنان را توجیه می‌کند بیان شده است و سپس در نهایت اهمیت زنان در کردستان، نحوه‌ی نگرش به کار زنان و وضعیت آنان در مناطق مختلف کردستان و محدودیت‌های موجود شرح داده شده است.

ویسی و بادیار (۱۳۸۴)، در مقاله‌ای به «بررسی عوامل مؤثر بر نقش اجتماعی زنان در فعالیت‌های روستایی: مطالعه موردی استان کردستان» می‌پردازند. در این تحقیق ۲۱۰ پرسشنامه از روستاهای پنج شهرستان سنندج، سقز، دیواندره، مریوان و قروه تکمیل گردید. نتایج نشان می‌دهد که ویژگی‌های خانوادگی، مؤثرترین عامل در تبیین نقش‌هایی است که زنان ایفا می‌کنند و ویژگی‌های فردی در رتبه‌ی دوم قرار دارد. بنابراین، برنامه‌ها و پیشنهادهایی که عرضه می‌گردد باید بر اساس ویژگی‌های خانوادگی زنان روستایی و با توجه به آرای مردان آنان تدوین شود تا ضمانت اجرایی داشته باشد.

اهداف پژوهش:

هدف کلی: بررسی درک تجربه و تفسیر زنان کلانه پز از کنش های اجتماعی.

اهداف جزئی:

۱- دیدگاه زنان کلانه پز نسبت به شغل خود.

۲- چگونگی کنش اجتماعی زنان کلانه پز در جامعه.

۳- تاثیر شغل کلانه پزی بر وضعیت زندگی زنان کلانه پز.

روش پژوهش

تحقیق حاضر به روش کیفی و با رویکرد پدیدارشناختی انجام شده، که جهت درک تجارب زنان کلانه پز از روش مصاحبه عمیق استفاده کردیم تا موضوع را از دید پدیده ها بررسی نماییم. در این زمینه چناری (۱۳۸۶) بیان می دارد که پدیدارشناسی به جهان، آن چنان که توسط یک فرد زیسته می شود، و نه به عنوان واقعیتی که جدا از انسان باشد، توجه دارد. لذا می کوشد این پرسش را مطرح کند که «تجربه زیسته چه نوع تجربه ای است؟» زیرا می کوشد معانی را آنچنان که در زندگی روزمره زیسته می شوند، آشکار نماید (چناری، ۱۳۸۶: ۱۱۶ و ۱۱۷). برای این اساس، هدف ما نیز تجربیات و درک و تفسیرهای زنان کلانه پز از شغلشان و تاثیر آن بر کیفیت زندگیشان؛ با روش پدیدارشناسی پرداختیم. همچنین از روش کولایزی برای تحلیل داده ها استفاده شده است.

مصاحبه ها با تعدادی سؤال از پیش طراحی شده شروع شدند. پس از انجام هر مصاحبه، تحلیل اولیه ای صورت می گرفت و مفاهیم بارز مشخص می شد و سپس به سراغ مصاحبه ی بعدی می رفتیم تا به حدی از اشباع نظری دست پیدا کردیم. اما برای اطمینان، دو مصاحبه ی دیگر نیز صورت گرفت و آنها نیز تقریباً همان مفاهیم قبلی را بازگو می کردند. همان گونه که ذکر شد، هدف این بود که ببینیم زنان کلانه پز کنش اجتماعی را چگونه درک و تجربه می کنند و سپس چگونه با آن کنار می آیند.

داده ها با دو روش کدگذاری باز و کدگذاری گزینشی تحلیل شدند. در کدگذاری باز مفاهیم اصلی که در حقیقت سنگ بنای تحقیق بوده و خود میدان در اختیار ما قرار داده، خط به خط مشخص گردیده و مقوله ها، ویژگی ها و ابعاد آنها به ترتیب قرار گرفتن این مفاهیم بر اساس سلیقه ی محقق بوده و روش و علت خاصی ندارد؛ یعنی میتوان جای آنها را عوض کرد و این امر تأثیری بر نتیجه ی تحقیق ندارد. از آنجا که هریک از این مفاهیم قطعاً مفاهیم دیگری را در دل خود پنهان کرده اند بنابراین در کدگذاری گزینشی به مقولاتی که از

دل این مفاهیم بیرون می‌آمد پرداختیم، سپس همین مقولات را در سطحی کلی‌تر و انتزاعی‌تر بررسی کردیم تا به گزاره‌های اصلی تحقیق دست پیدا کنیم.

جامعه آماری

جامعه‌ی هدف در این تحقیق، کلیه‌ی زنان کلانه‌پز ساکن در شهر مریوان که جمعیت آشکار آنها ۱۳۷ نفر هست؛ بود. در واقع اطلاعات دقیقی از جامعه تحقیق در دسترس نیست، چراکه تعدادی از این زنان وجود دارند که در خانه خود مشغول به انجام این شغل هستند و بجز اطرافیان، همسایه‌ها، نزدیکان و فامیل‌های خودشان مراجعه کننده دیگری ندارند؛ لذا این دسته از زنان که جامعه پنهان محسوب می‌شوند، در تحقیق فوق مدنظر قرار نگرفته اند. در نتیجه ما تحقیق‌مان را بر آن دست‌زانی گذاشتیم، که مغازه‌ای برای خود گشوده‌اند یا جای مشخصی برای این کار برگزیده‌اند و عامه‌ی مردم می‌توانند به آنها مراجعه نمایند. در این پژوهش سعی بر یافتن مسیرهای اصلی زنان کلانه‌پز شد، تا به صورت جامع‌تری مطالعات لازمه صورت گیرد.

نمونه‌گیری

از میان این جامعه‌ی آماری، به شیوه‌ی نمونه‌گیری هدفمند و در دسترس تعداد ۲۲ نفر از زنانی که در شهر مریوان به کار کلانه‌پزی مشغول بودند، انتخاب و مورد مصاحبه قرار گرفتند. ابزار گردآوری اطلاعات مصاحبه بود و این فرایند تا حد اشباع نظری داده‌ها پیش رفت. مصاحبه‌ها با زنانی که تجربه بیش از یک سال کاری در این حوزه را داشتند انجام شد که فرایند تعامل و کنش اجتماعی را حداقل یک سال تجربه کرده بودند. در این مصاحبه‌ها در عین توجه به وضعیت زنان و ملاحظات اخلاقی، کوشیدیم ضمن ایجاد همدلی با زنان، دریابیم که فرایند تعاملات اجتماعی را چگونه تجربه کرده و این تجارب خود را چگونه روایت می‌کنند.

داده‌های این پژوهش از طریق مصاحبه کیفی عمیق و باز به شیوه نمونه‌گیری نظری و هدفمند جمع‌آوری شده است که پس از انجام ۲۲ مصاحبه اشباع نظری که ملاک اتمام فرایند نمونه‌گیری در روش کیفی است، حاصل شد. در جدول شماره ۱ شرح مشخصات کامل افراد مورد مصاحبه آورده شده است. معیار انتخاب نمونه‌ها، زنانی است که حداقل تجربه یک سال کلانه‌پزی در شهر مریوان را داشته‌اند به این جهت که آشنایی لازم با محیط کاری و کنش‌های آن را کسب کرده باشند و در این راستا درگیر فضای شغلی خود شده باشند. مصاحبه‌ها هم به صورت حضوری انجام گرفته‌اند. زمان انجام مصاحبه‌ها از اواخر آبان ۱۳۹۷ تا اواخر بهمن همان سال انجام گرفت و مدت زمان انجام هر مصاحبه، تقریباً بیش از یک ساعت بود و به دلیل

رضایت نداشتن برخی از مصاحبه شوندگان تعداد کمی از مصاحبه ها ضبط شد اما همه ی آنها بر روی کاغذ ثبت گردید.

جدول شماره ۱: ویژگی‌های توصیفی افراد مورد مطالعه

جنسیت				وضعیت تاهل		سطح تحصیلات	
زن	مرد	مجرد	متاهل	بی سواد	نهضت	راهنمایی	دبیرستان
۲۲	–	۳	۱۹	۵	۱۲	۳	۲۰
سال های فعالیت				سن			
۱ تا ۲	۲ تا ۳	۳ تا ۴	۵ سال و بیشتر	۲۰ تا ۳۰	۳۰ تا ۴۰	۴۰ تا ۵۰	۵۰ تا ۶۰
سال	سال	سال	سال	سال	سال	سال	سال
۵	۷	۶	۴	۶	۷	۶	۳

سوالات پژوهش:

برای این پژوهش درون‌مایه‌ی سؤالات خود را به قرار زیر طرح کردیم:

-چه دیدگاهی نسبت به شغل خود(کلان‌پزی)دارید؟

-نحوه و نوع تعامل و ارتباط شما با اعضای خانواده چگونه است؟

-این شغل چه تاثیری بر روحیه ی شما داشته است؟

-این شغل چه تاثیری بر وضعیت زندگی خانوادگیتان داشته است؟

مبانی نظری

همان‌طور که در بخش روش‌شناسی ذکر گردید، کدگذاری داده‌های پژوهش حاضر، بر مبنای روش کولایزی در دو مرحله کدگذاری باز و کدگذاری گزینشی صورت گرفته است. در مرحله کدگذاری باز، ۳۶ کد و مفهوم باز به دست آمده است که نمونه‌های مهم هر کدام در قالب مفاهیم در جدول آمده است؛ در مرحله ی کدگذاری گزینشی نیز، ۶ مقوله عمده به دست آمده است که شرح آنها به طور مفصل مورد بحث قرار خواهد گرفت.

جدول شماره ۲: الگوی نهایی مفاهیم و مقولات احصاء شده

ردیف	مفاهیم	مقوله عمده
۱	تعامل سازنده با مشتریان، تعلق خاطر به محیط شغلی، احساس خوب از زندگی در هنگام کار	دلبستگی شغلی
۲	احساس مفید بودن، احساس غرور و اعتماد به نفس، رضایت روحی و روانی، شادکامی	عزت نفس
۳	سازگاری و انطباق با شرایط، کنار آمدن، همذات پنداری، عطوفت، همدلی، صبوری، از خودگذشتگی	درک همدلانه
۴	استقلال یافتن در امور، قانون‌پذیری، رضایت از برنامه‌ریزی شدن امور، مشارکت-پذیری، مسئولیت‌پذیری، نظم‌پذیری، نقش‌پذیری، تعهد، تقسیم و عمل به وظایف، احترام به حقوق دیگران	نظم‌پذیری
۵	گرایش به رفتارهای مثبت، تاب‌آوری و تحمل، خودسازماندهی، کنترل رفتار و احساسات	خودکنترلی
۶	قناعت، ایجاد جامعه یادگیرنده، دوست‌یابی مبتنی بر ملاک‌های ویژه، کسب تجربیات مفید و مختلف، کسب تجربه برای تعمیم به کارهای آینده، یادگیری باهم، ارتقا و بهبود رفتارهای اجتماعی، الگوپذیری	الگوپذیری و تجربه‌آموزی

الف: دلبستگی شغلی

از جمله عوامل موثر بر میزان بازدهی و بهره‌وری افراد، میزان رضایت آنها از نحوه کار، شغل و حرفه خود می‌باشد. رضایت شغلی به برداشتی که شخص از کار خود دارد، اشاره می‌کند. به عبارت دیگر رضایت شغلی، واکنش عاطفی مطلوب به موقعیت شغلی است. مفهومی شهودی برای اکثر شاغلین که آن را به صورت یک هدف مطلوب و دلخواه در نظر می‌گیرند (زارع بهرام‌آبادی و دیگران، ۱۳۸۹: ۶).

یکی از کنش‌هایی که در قالب گزاره قابل استنباط است، دلبستگی شغلی است. در این زمینه می‌توان گفت عواملی همچون «تعامل سازنده با مشتریان» موجب پذیرش و انطباق با شرایط شغلی می‌شود. با سازگاری و

تطبیق با شرایط موجود، احساس خوبی برای زندگی در محیط شغلی به وجود می‌آید و فرد احساس می‌کند که زندگی واقعی و اصلی او دارد رقم می‌خورد. در این شرایط او در برابر مشکلات صبور بوده و در مقابل ناملایمات و حتی در جهت کمک به خانه و خانواده «از خود گذشتگی» دارد. تعلق خاطر به محیط شغلی، به معنای ادراک ذهنی و احساسات کم و بیش آگاهانه‌ی مردم از محیط خود است که شخص را در ارتباطی درونی با محیط قرار می‌دهد. به طوری که فهم و احساسات فرد با زمینه‌ی معنایی محیط پیوند خورده و یک پارچه می‌شود. این حس عاملی است که موجب تبدیل فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری خاص برای افراد می‌شود. حس مکان علاوه بر اینکه باعث احساس راحتی در یک محیط می‌شود، از مفاهیم فرهنگی مورد نظر مردم، روابط اجتماعی و فرهنگی جامعه در یک مکان مشخص حمایت کرده و باعث یادآوری تجارب گذشته و دستیابی به هویت برای افراد می‌شود. با این ویژگی‌ها می‌توان گفت زنان کلانه‌پز تجربه‌ی حس مکان و احساس تعلق خاطر داشتن به محیط شغلی را در گفتار خود نشان دادند و درک آن را به زبان آوردند؛ این مفهوم از عبارت یکی از مصاحبه‌شوندگان به نام "شرافت خانم" که بیان داشت «اگر یک روز به سرکار نیایم احساس مریضی می‌کنم.» به خوبی قابل لمس است.

ب: عزت نفس

عزت نفس را می‌توان در کنار واژه‌هایی مثل عشق و آرامش و رشد قرار داد که همیشه و همه جا، در مورد آنها صحبت شده و همه بر روی اهمیت آنها اتفاق نظر دارند. عزت نفس به مثابه یک سرمایه ارزشمند حیاتی، از مهم‌ترین عوامل پیشرفت و شکوفایی استعداد و خلاقیت‌هاست که در دهه‌های اخیر به عنوان یکی از عوامل مهم و اساسی در رشد و شکوفایی انسان‌ها مورد توجه بسیاری از روان‌شناسان و پژوهشگران قرار گرفته است. عزت نفس مانند خودکارآمدی جنبه‌ای از خود پنداره است که در محاوره با دیگران کسب می‌گردد. عزت نفس بر همه‌ی افکار، ادراک‌ها، هیجان‌ها، آرزوها، ارزش‌ها و اهداف شخص نفوذ دارد و کلید رفتار اوست (میرزایی علویجه و دیگران، ۱۳۹۱: ۵۹).

مصاحبه‌شوندگان در این تحقیق از مقولاتی چون احساس مفید بودن، احساس غرور و اعتماد به نفس، رضایت روحی-روانی و شادکامی یاد کردند، که همگی نشان از وجود عامل عزت نفس در این افراد است. گلچهره در این مورد می‌گوید: «از زمانی که این کار را آغاز کرده‌ام، از اینکه به کسی وابسته نیستم و دست در جیب خود دارم؛ هر روز با افتخار در مغازه را باز می‌کنم تا کلانه‌هایم را بپزم».

ج: درک همدلانه

تم همدلی، از جمله فراکنش‌های اجتماعی است که در فرایند کدگذاری و مرور مصاحبه‌ها استنباط شد. در زمینه‌ی همدلی به دو رویکرد می‌توان اشاره کرد. طبق رویکرد «نقش‌پذیری شناختی» یک شخص همدل به صورت تخیلی می‌تواند نقش فرد دیگری را به خود بگیرد و افکار، احساسات و رفتار آن شخص را درک و پیش‌گویی کند. رویکرد «پاسخ عاطفی جایگزین» به تجارب عاطفی ادراک شده‌ی دیگران تعریف شده است. یک تفاوت حساس بین فرایند نقش‌پذیری شناختی و پاسخ دهی عاطفی همدلانه وجود دارد؛ درحالی که اولی بازنمایی احساسات دیگران است، دومی شامل سهم شدن در احساسات دیگران، حداقل در سطح عواطف عمده «خوشایند یا ناخوشایند» می‌شود (زرشقای، نوریوعریضی، 1389).

بنابراین، همدلی را می‌توان توانایی تشخیص و فهم ادراکات و احساسات فرد مقابل و انتقال دقیق این فهم از راه یک پاسخ پذیراگر تعریف کرد. جنبه‌های همدلی براساس این تعریف عبارتند از: آگاهی از حالت هیجانی فرد مقابل، «درک آن حالت»، «هماندسازی فردی با موقعیت» و «ارائه پاسخ عاطفی مناسب». روند شکل‌گیری درک همدلانه را می‌توان چنین تشریح نمود که سازگاری و انطباق با شرایط موجب حاکمیت همدلی، عطوفت و مهربانی نسبت به هم و کنار آمدن با هم می‌شود. صغرا می‌گوید: «شوهر و بچه‌هایم، با شروع این کار بیشتر درکم می‌کنند و به کمک می‌آیند؛ چه در مغازه و چه در کارهای خانه! در واقع، همواره ملاحظه‌حالم را می‌کنند اگرچه مشکلی هم پیش بیاید، همگی باهم صبوری کرده و در جهت رفع آن برمی‌آییم».

بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که حاصل این شغل برای زنان در خانواده‌شان درک متقابل، عطوفت، صبر بر مشکلات و از خودگذشتگی را در پی داشته است. این‌ها مصادیق نقش‌پذیری شناختی و پاسخ عاطفی جایگزین به شمار می‌روند.

د: نظم‌پذیری

«نظم» در لغت به معنای آراستن، برپاداشتن، ترتیب دادن کار است. انضباط نیز به معنای نظم و انتظام، ترتیب و درستی، نبودن هرج و مرج، سامان‌پذیری و آراستگی است. (فرهنگ معین). «نظم‌پذیری» یعنی برنامه‌محور بودن تمامی فعالیت‌های زندگی خانوادگی و برنامه‌محور بودن خانواده، به معنی جلوگیری از رفتارهای صلاح‌دید اعضای خانه و تقویت رفتارهای قاعده‌مند است. برآیند این عوامل باعث می‌شود که زنان کلانه‌پز و خانواده‌هایشان، از رفتارهای صلاح‌دیدی به سمت رفتارهای قاعده‌مند و برنامه‌محوری سوق یابند و نظم درون خانوادگی بر اساس ارزش حاصل از رضایت جمعی بر سایر ارزش‌ها وارد شده در زندگی مسلط شود. نظم-پذیری درون خانوادگی تابع قانون‌پذیری، مشارکت‌پذیری، مسئولیت‌پذیری، نقش‌پذیری، نظم‌پذیری، تعهد، تقسیم و عمل به وظایف، احترام به حقوق دیگران، استقلال یافتن در امور و رضایت از برنامه‌ریزی شدن امور است.

شهین در این مورد بیان کرد: «در طول چند سالی که کار می‌کنم، در خانه ساعت خواب مشخصی داریم، کارها را به تناسب مشغله‌هایمان تقسیم بندی کرده ایم و هر کس بنا به وظیفه خود کارش را در ساعت مشخص انجام می‌دهد و تا کنون از این مسئله بسیار راضی هستیم».

ه: خودکنترلی

خودکنترلی به این معنی است که یک شخص در موقعیت خود تا چه میزان انعطاف‌پذیر و پایدار است. مردم در یک بحث کلی به دو دسته تقسیم می‌شوند: افراد با خودکنترلی بالا و افراد با خودکنترلی پایین که هر کدام ویژگی‌هایی دارند. برخی افراد نسبت به موقعیت‌های اجتماعی حساس هستند و خود را متناسب با موقعیت رایج تنظیم می‌کنند، این افراد را با خودکنترلی بالا می‌نامیم. در مقابل افرادی هستند با خودکنترلی پایین که تمایل دارند فکر و احساس خود را بیان نمایند، تا این که آن را متناسب با موقعیت سازماندهی کنند. همچنین خودکنترلی به عنوان یکی از تفاوت‌های مهم و قابل‌سنجش ویژگی‌های رفتاری تعریف می‌شود که بیانگر میزان مطابقت ویژگی‌های رفتاری فرد با شرایط و موقعیت موجود است.

قابلیت خودکنترلی، انسان را برای سازگاری و غلبه بر خطرات و سختی‌ها آماده می‌کند و آموختنی نیز هست. افراد دارای توانایی خودکنترلی، «خودراهِبر» نیز هستند. بدان معنا که خودراهِبری، فرایند هدفدار کنترل رفتار است که از قصد شکوفایی فردی برخوردار است. خودراهِبری فرایند اثرگذاری بر خود است که به افراد اجازه می‌دهد تا به تنظیم و هدایت خود یا زندگی حرفه‌ای و شخصی‌شان به واسطه‌ی به کارگیری راهبردهای رفتاری، انگیزشی و شناختی بپردازند. اجزای خود راهبری استنباط شده در گفته‌های زنان کلانه-پز شامل «خود پرورشی»، «مدیریت زمان»، «مهارت‌های ارتباطی»، «مدیریت و برنامه‌ریزی امور» بود. شهلا در قسمتی از مصاحبه بیان کرد: «ما بخاطر کارمان، هر کدام در زمان مشخصی وظیفه مان را انجام می‌دهیم تا در اوقات بیکاری زمان بیشتری برای باهم بودن یا انجام کارهای خودمان داشته باشیم».

همچنین خودکنترلی به عنوان یکی از مهارت‌های ناشی از کنش‌های اجتماعی تلقی می‌شود که نمود آن در زنان کلانه‌پز ظهور یافت. طی این فراکنش اجتماعی، اعضای خانواده تمایل به رفتارهای مثبت داشتند و در این رهگذر به اجبار رفتارها و احساسات خود را کنترل می‌کردند. تاب‌آوری و تحمل، به عنوان ظرفیتی برای مقاومت در برابر استرس و فاجعه‌ی حاصل خودکنترلی بود که زنان کلانه‌پز به آن اذعان داشتند.

و: الگوپذیری و تجربه‌آموزی

زندگی در محیط شغلی همواره شامل شرایطی است که الگوپذیری و یادگیری مشاهده‌ای جزء جدایی‌ناپذیر آن است. الگوپذیری به فرآیندی اطلاق می‌شود که در آن رفتار یک فرد یا گروه به مثابه محرکی برای افکار،

نگرش ها یا رفتارهای شخص یا اشخاصی دیگر به کار گرفته شود. در این فرایند، فرد با تحلیل محیط و ساخت شناختی خود می پذیرد که یک رفتار الگوی او شود و بدان پردازد یا بالعکس آن را انجام ندهد. زنان کلانه‌پز در زمینه‌ی درک این کنش، رفتار یا جنبه‌هایی از یک رفتار را به عنوان الگو انتخاب کرده بودند به طور مثال، نوع برخورد، رفتارهای نظم‌جویانه دیگران، الگوپذیری شغلی و از رفتارهای انسان‌دوستانه و معنوی دیگران. عطیه می گوید: «از وقتی کار می کنم، اطرافیان، از من به عنوان الگوی تلاش و استقامت یاد می کنند و همین منجر شده رفتارهایشان با من بهتر از قبل باشد و حتی در خانه بیشتر زمانها بر اساس کار من اولویت بندی می شود».

بعد دیگر این کنش، تجربه‌آموزی بود. زنان کلانه‌پز با تشکیل جامعه‌ی یادگیرنده و مبتنی بر ملاکها و اختصاصات خاص، در زمینه‌های خانوادگی از یکدیگر یاد می گرفتند و اعضای خانواده برای آینده‌ی شغلی خود تجربیاتی را از یکدیگر می آموختند. این فعالیت‌ها هم جنبه‌ی تجربه‌آموزی داشت و هم بهبود رفتارهای اجتماعی را در پی داشت. از این نظر، کنش اجتماعی تجربه‌آموزی و الگوپذیری از مهم ترین کنش های درک شده بود. شبیم در این مورد می گوید: «بچه هایم در زمانهای بیکاری پیش خودم کار می کنند، من بیشتر به عنوان راهنما ریزه کاری هایی که در طی این چندسال آموخته ام را؛ به آنها نیز می آموزم. حالا طوری شده بچه بزرگم از خودم بیشتر به کار وارد است و در بعضی مواقع راهکارهای خوبی به من می دهد تا کار بهتر پیش رود».

نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر این بود که نشان دهد زنان کلانه‌پز شهر مریوان در زندگی شغلی خود چه کنش هایی دارند و درکشان از این کنش ها چیست، آنها را چگونه می بینند و چه دیدگاهی نسبت به آنها دارند. شاید بتوان مهم ترین پدیده‌ی شغلی زنان کلانه‌پز را کنش های اجتماعی آنها دانست. کنش، به رفتاری انسانی اطلاق می - شود که انگیزه و راهنمای آن معانی باشد؛ معانی‌ای که کنشگر در دنیای خارج می یابد و به آن حساسیت نشان می دهد. هر کنش از مجموعه‌ای از واحدهای کنشی ساخته می شود و شامل حالات و گفتارهایی است که مجموعه‌ی بازسازی شده‌ی آن یک نقش اجتماعی یا برهه‌ای کم و بیش طولانی از کنش متقابل اجتماعی را پدید می آورد. کنش های اجتماعی در جامعه‌ی زنان متفاوت از کنش های اجتماعی جنس دیگر است. این تفاوت ناشی از ویژگی های فیزیولوژیکی، شخصیتی، روان شناختی و اجتماعی است.

با این توضیحات، در پاسخ به سوال اول که (چه دیدگاهی به شغل خود دارید؟) می توان گفت: زنان کلانه‌پز به طور کلی دیدگاه مثبت، روشن بینانه و امیدوار کننده به شغل خود داشتند؛ چرا که این شغل پیوند با فرهنگ و آداب و رسوم مردم این مرز و بوم دارد، یعنی شغلی نیست که از عوامل خارج از فرهنگ کردها گرفته شده

باشد بلکه از متن فرهنگ کردها درآمده و با آن اخت گرفته‌اند. این نکته را می‌توان از جمله «کلانه‌پزی را از مادران خود آموخته‌ایم و همواره حس خوبی به پختن آن داشته‌ایم چراکه احساس ارزشمند بودن و فعالیت در کاری که انجام می‌دهیم به ما دست می‌دهد.» می‌توان دریافت.

زنان در برخورد با شرایط و مشکلات زندگی شغلی عامل صبر و تحمل را کلید مؤثری می‌دانستند و می‌گفتند این شرایط گذراست، باید تحمل کرد. عبارت «خدا هوای همه را دارد» شاید به بهترین نحو بیانگر نوع تعامل زنان با مشکلات و شرایط باشد. در بررسی گفته‌های زنان کلانه‌پز می‌توان اذعان داشت، زندگی شغلی آنها به صورت غیر مستقیم و در قالب یک برنامه‌ی درسی پنهان، مهارت‌های زندگی را در خانواده ایجاد کرده بود.

همچنین در پاسخ به سوال دوم که (نحوه و نوع تعامل شما با اعضای خانواده چگونه است؟) باید اذعان داشت که زنان کلانه‌پز ارتباط خوب و سازنده‌ای با اعضای خانواده خود داشتند و تاثیر مثبتی بر فرزندان و شوهر یا پدر و مادرشان گذاشته بودند. این زنان نقش معلمی در خانواده داشتند که در کنار نقش مادری، همسری، دختری و خواهری به سایر اعضای خانواده درس تلاش، صبر و استقامت می‌دادند. به طور کلی این زنان، جامعه‌ای یادگیرنده تشکیل داده بودند و با رفتار خود به اعضای دیگر خانواده می‌آموختند که چگونه برای زندگی تلاش کنند و در این راه همدیگر را یاری رسانند، همدیگر را درک کنند و در شرایط سخت در حین سازگاری پیشه نمایند.

«کنترل رفتار و احساسات و تاب‌آوری» یکی دیگر از مهارت‌های زندگی بود که در قالب کنش اجتماعی نمود پیدا کرد. زندگی شغلی با فشارهای زیادی همراه است. به دنبال فشارها، احساسات زیادی زنان کلانه‌پز و اعضای خانواده را رنج می‌دهد و اگر نتوانند با این شرایط مقابله‌ی صحیح و سالمی داشته باشند، سلامت روان آنها دچار مشکل می‌گردد. این مهارت (تاب‌آوری و کنترل رفتارها و هیجانات) در این زمینه می‌تواند مؤثر باشد و زنان کلانه‌پز به این اثر بخشی اذعان داشتند.

«درک متقابل» یکی از مهارت‌های دیگری است که جزء مهارت‌های زندگی اجتماعی می‌باشد. همذات‌پنداری، درک احساس دیگران و درک دیدگاه‌ها در نحوه‌ی مدیریت امور از مصادیق درک متقابل به شمار می‌رود. زنان کلانه‌پز در این زمینه، احساس خوبی داشتند و آن را زمینه‌ساز فضای همدلی، عطوفت، از خودگذشتگی و کنار آمدن با یکدیگر و اختلافات می‌دانستند.

یکی دیگر از مصادیق کنش‌های اجتماعی در زندگی شغلی زنان کلانه‌پز، «ایجاد جوامع یادگیرنده» بود. یادگیری جزء جدایی‌ناپذیر زندگی شغلی است. اعضای خانواده با تشکیل گروه به یادگیری دانش و مهارت شغلی مادر می‌پردازند. در این گروه‌ها معلم نیز مادران کلانه‌پز هستند. آنها علاوه بر این موارد، از تعامل و

کنش و واکنش‌های رفتاری، احساسی، کلامی و غیرکلامی، یادگیری‌های دیگری را نیز تجربه می‌کنند؛ یادگیری گذشت، صبر، نوع صحبت کردن با مشتریان، یادگیری مثبت از رفتارهای منفی و یادگیری مسئولیت-پذیری، همه و همه حاصل تجارب زندگی شغلی زنان کلانه‌پز بود.

در پاسخ به پرسش سوم یعنی (این شغل چه تاثیری بر روحیه شما داشته است؟) باید گفت: این زنان موارد مثبتی را از تاثیر شغل کلانه‌پزی بر روحیه‌شان عنوان نمودند مانند: افتخار کردن به اینکه می‌توانند در زندگی خانوادگی‌شان موثر باشند، به خانواده بیاموزند که چگونه تلاش نمایند، از اینکه از نظر اقتصادی دست در جیب خود داشتند احساس رضایت کامل داشتند و همچنین می‌توانستند گوشه‌ای از مشکلات زندگی را حل نمایند به آنها آرامش خاطر بخشیده بود.

در پاسخ به پرسش چهارم یعنی (این شغل چه تاثیری بر زندگی خانوادگی آنها داشته است؟) باید اذعان کرد که این شغل با وجود سختی‌هایی که به همراه داشته است اما نکات مثبتی را نیز با خود داشته که قسمتی از آن را می‌توان در پاسخ‌های دوم و سوم هم دید و از دیگر نکات مثبت انجام این شغل -کلانه‌پزی- برای زنان در زندگی خانوادگی‌شان نظم‌پذیری، خودکنترلی و تجربه آموزی بود. زنان اشاره نمودند از زمانی که به شغل کلانه‌پزی روی آورده‌اند زندگی‌شان دارای نظم بیشتری شده است و سایر اعضای خانواده هم از آن پیروی می‌کنند؛ یعنی تابع قانونی شده که همگی خود را ملزم به رعایت آن می‌دانند. افراد خانواده کارها را همواره با برنامه و به کمک همدیگر پیش می‌برند تا در عین کار برای دیگر امور زندگی‌شان وقت کافی داشته باشند. مسئولیت‌پذیری از پررنگ‌ترین مواردی است که در همه ی اعضای خانواده زنان کلانه‌پز عنوان شده است که همگی در راستای آن به سایر اعضای خانواده احترام گذاشته و به وظایف خود به طور دقیق عمل می‌کنند.

قصد ما از بیان این نمونه‌ها نشان دادن تفاوت‌ها و سپس طرح این ادعاست که زندگی زنان شاغل کلانه‌پز و تعاملات و کنش‌های موجود در آن، تجربیات ارزشمندی در اختیار اعضای خانواده قرار می‌دهد. اگرچه همراه با شرایط دشواری است، اما پیامد رفتاری و نگرشی مثبتی را برایشان در پی دارد.

در کتابها، مقاله‌ها و پایان‌نامه‌های مختلف، تحقیقات خوبی در مورد زندگی زنان شاغل انجام شده است اما با وجود اهمیت این تحقیقات، می‌توان گفت که بیشتر آنها با تمرکز بر جنبه‌های کمی و تک‌بعدی، نتوانسته‌اند از منظر جامعه‌شناختی و روان‌شناختی به موضوع کنش‌ها در محیط شغلی زنان بپردازند. در این تحقیق کوشش شده با جبران این خلأ، راه برای تحقیقات و پژوهشهای این چنینی گشوده شود. شاید یکی از چند هدفی که این مقاله نتوانست به آن دست یابد، مطالعه‌ی زنان کلانه‌پز با توجه به مؤلفه‌هایی چون طبقه‌ی اجتماعی، فرهنگی و سایر مؤلفه‌ها به طور جداگانه و سپس انجام مطالعات تطبیقی و مقایسه‌ای بین آنها بود.

این کاری است که انجام دادن آن از منظر دیدگاه برساخت‌گرایی اجتماعی می‌تواند راهگشای شناخت مسائل و مشکلات بیشتر این زنان به طور جزئی‌تر و عمیق‌تری شده و در نتیجه ضرورت توجه به کیفیت زندگی شغلی آنها را به جامعه و مسئولین گوشزد می‌کند.

از آنجایی که این پژوهش، از نوع مطالعات اکتشافی است؛ می‌تواند افق‌های جدیدی را برای مطالعات آتی باز نماید، لیکن این تحقیق از کم و کاستی‌ها نیز به دور نیست؛ با این حال امیدواریم در آینده تحقیقات کیفی بیشتری بر زنان شاغل و نگرش آنها به شغل و محیط شغلی‌شان انجام گیرد. چرا که تلاش برای تغییر و بهبود وضعیت آنها می‌طلبد که ابتدا، وضعیت این زنان از نگاه خودشان به پدیده شغلی، مشکلاتی که گریبانگیرشان می‌شود، آسیب‌های شغلی و روحی-روانی آنها و امنیت یا ناامنی شغلی‌شان، مورد بررسی قرار گیرد.

پیشنهادهای:

- برگزاری کارگاه‌ها و جلسات آموزشی جهت توانمندسازی زنان شاغل (زنان کلانه‌پز) جهت دفاع از حقوق صنفی سلامت کار و... و کرامت انسانی.

- ایجاد مکانی‌هایی برای زنان کلانه‌پز در مریوان، خصوصا نزدیک به مکان‌های توریستی مانند دریاچه زریبار؛ از طرف شهرداری و حمایت از کار آنها.

- ایجاد انجمن‌ها، اتحادیه‌ها و صنف‌هایی برای حمایت از حقوق زنان کارآفرین از جمله زنان کلانه‌پز.

- برگزاری کارگاه‌هایی برای زنان کلانه‌پز جهت آموزش نکات ایمنی و نکاتی برای سلامت‌شان در ارتباط با شغل کلانه‌پزی.

- بیمه کردن زنان کلانه‌پز، جهت بهبود وضعیت درمانی‌شان.

- اختصاص وام‌هایی به زنان کلانه‌پز، جهت تامین وسایل مناسب‌تر برای محیط شغلی‌شان.

- تجلیل از زنان کلانه‌پز، در برنامه‌هایی به عنوان زنان کارآفرین و نمونه؛ جهت دلگرمی بیشتر به کار و الگو شدن برای خانواده و جامعه خود.

محدودیت‌های پژوهش

در این پژوهش، محدودیت‌هایی دامن‌گیر محققین بود، از جمله: اطلاع دقیقی نداشتن از جامعه آماری زنان کلانه‌پزی که از این طریق کسب درآمد می‌کنند، چرا که بسیاری از زنان کلانه‌پز در خانه‌های خود؛ گوشه‌ای از خانه‌شان را به کلانه‌پزی اختصاص داده‌اند اما فقط آشنایان، همسایه‌ها و فامیل‌های خودشان از این موضوع اطلاع دارند و این کار منجر به عدم آشنایی کافی محققین با این دست از زنان بود. همچنین در این پژوهش محققین ناچار به یافتن زنان کلانه‌پز در روستاهای اطراف شهر مریوان بودند که سختی راه و عدم تمایل بیشتر این زنان به مصاحبه نیز دشواری‌هایی برای محققین به همراه داشت. عدم تمایل برخی از زنان مصاحبه شونده به ضبط صدایشان از دیگر محدودیت‌های این پژوهش بود، برخی از زنانی هم که اجازه ضبط صدا می‌دادند اجازه ثبت عکس‌شان را نمی‌دادند. همچنین برخی از زنان مصاحبه شونده ابتدا اطمینان چندانی به پژوهشگران نداشتند چرا که گمان بر این داشتند که محققین از طرف اداره مالیات و شهرداری بکار گماشته شده باشند تا از وضعیت آنها اطلاعات کسب کنند و بر میزان مالیات آنها بیفزایند یا آنها را جریمه کنند، که در نهایت محققین با صحبت‌های گرم و اطمینان بخش به این زنان اندکی از محدودیت‌های پژوهش را کاستند. به هر حال همواره تحقیقات تازه و نو با خود محدودیت‌هایی دارد و این نه از کم‌کاری محققین بلکه از وضعیت عدم اطمینانی است که دامنگیر جامعه ما علی‌الخصوص جامعه زنان شده است.

منابع

- آراستنی، زهرا؛ طرزمی، الناز. (۱۳۹۲). چگونگی تغییر نقش شبکه‌های اجتماعی زنان کارآفرین از مرحله‌ی نوپایی به تثبیت: مورد مطالعه بخش صادرات. مجله توسعه کارآفرینی. دوره ۶، شماره ۴، صص ۱۹-۱.
- اسلامی تنها، اصغر. (۱۳۹۳). نظریه پدیدارشناختی فرهنگ و سیاست گذاری فرهنگی. فصل نامه دین و سیاست فرهنگی. شماره ۲، صص ۵۹-۳۱.
- چناری، مهین (۱۳۸۶). مقایسه هوسرل، هایدگر و گادامر بامحک روش‌شناسی. نشریه‌ی پژوهش‌های فلسفی - کلامی، دوره ۹، شماره ۲ (۳۴)، صص ۱۳۸-۱۱۳.

-رستگار خالده، امیر؛ محمدی، میثم؛ نقی پور ایوکی، سحر. (۱۳۹۱). کنش‌های اجتماعی زنان و دختران نسبت به حجاب و رابطه آن با مصرف اینترنت و ماهواره. مطالعات راهبردی زنان. سال چهاردهم. شماره ۵۶. صص ۸۲-۷.

-رستمعلی زاده، ولی‌اله؛ علی جمعه زاده، پروین (۱۳۹۶). بررسی عوامل موثر بر موفقیت زنان کارآفرین شهر تهران. فصل نامه توسعه اجتماعی. دوره ۱۲. شماره ۳. صص ۱۷۲-۱۴۷.

-زارع بهرام آبادی، دکتر مهدی؛ دره، ایمان؛ اژدری، گلناز. (۱۳۸۹). رابطه بین دلبستگی شغلی، مسئولیت پذیری و تحلیل عاطفی با رضایت شغلی. فصلنامه فرهنگ مشاوره. سال اول. شماره ۴. صص ۲۴-۵.

-زرشقای، مسعود؛ نوری، ابوالقاسم؛ عریضی، حمیدرضا. (۱۳۸۹). کفایت شاخص‌های روان‌سنجی نسخه ی فارسی مقیاس همدلی هیجانی متعادل. مجله ی روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، جلد ۱، شماره ۱، صص ۵۰-۳۹.

-سواری، مسلم؛ شعبان علی فمی، حسین؛ شریف زاده، محمد حسین. (۱۳۹۶). موانع توسعه ی اشتغال زنان روستایی در صنایع دستی شهرستان دیواندره. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی. سال ۶. شماره ۳. صص ۱۷-۳۶.

-شفیق، غلامرضا. (۱۳۸۹). نقد و بررسی پیش فرض‌ها و زمینه‌های اجتماعی نظریه (کنش اجتماعی) تالکوت پارسونز. معرفت فرهنگی اجتماعی. سال دوم. شماره اول. صص ۱۸۴-۱۵۳.

-طه زاده، مسعود. (۱۳۹۲). جایگاه زنان در جامعه ی گُرد زبان با تاکید بر فرهنگ کار زنان. موج. سال پنجم. شماره ۶ و ۷. صص ۳۶-۲۵.

-قدرتی، حسین. (۱۳۹۴). فراز و فرود اشتغال زنان در ایران و تفاوت آن با روندهای جهانی. فصل نامه توسعه اجتماعی. دوره ۹. شماره ۳. صص ۵۲-۲۹.

-محمدی، نریمان؛ علیزاده، توحید؛ حاتمی طاهر، فردوس. (۱۳۹۵). عود جالان؛ روایت مرگ یک محله: مطالعه پیامدهای معنایی تغییرات فضایی در محله عود جالان تهران. پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی. سال ۵. شماره ۴. صص ۱۲۱-۹۹.

-مرادی پردنجانی، حجت الله؛ صادقی، ستار. (۱۳۹۳). پدیدارشناسی؛ رویکرد فلسفی، تفسیری و روش‌شناختی به مطالعات کارآفرینی. دو فصل نامه مطالعات روش‌شناسی دین. سال اول. شماره دوم. صص ۷۲-۶۲.

-ممیز، آیت اله؛ قاسمی، سیده عاطفه؛ قاسمی، سیده فاطمه. (۱۳۹۲). فصل نامه رشد فناوری، سال ۹. شماره ۲۵. صص ۲۲-۱۵.

-موحدی، رضا. سلیمانیان بروجنی، جلیله. (۱۳۹۵). بررسی شیوه‌های آموزشی مؤثر در توسعه ی کارآفرینی زنان روستایی. نشریه ی راهبردهای کارآفرینی در کشاورزی. سال سوم. شماره ۶. صص ۲۴-۳۳.

-میرزایی علویجه، مهدی؛ رجایی، نرگس؛ رضایی، فرشته؛ حسن پور، سمیرا؛ پیروزه، راضیه؛ بابایی برزآبادی، محسن. (۱۳۹۱). مقایسه عزت نفس، منبع کنترل و رابطه آنها با وضعیت تحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی یزد در سال ۱۳۹۰. مجله مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی یزد. دوره ۷. شماره ۱. صص ۵۸-۷۰.

-ویسی، هادی؛ بادسار، محمد. (۱۳۸۴). بررسی عوامل مؤثر بر نقش اجتماعی زنان در فعالیت‌های روستایی: مطالعه موردی استان کردستان. نشریه روستا و توسعه. دوره ۸. شماره ۴. صص ۱۹-۴۲.



